

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال یازدهم - شماره اول - فروردین ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۳۹
عبدی‌بیگ و شیوه شاعری او در مثنوی هفت اختر
(ص ۱۸۶-۱۶۷)

علی‌اصغر حلبی^۱، هانیه صدری مجد (نویسنده مسئول)^۲
تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵
تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۱۳۹۵

چکیده:

زین‌العابدین عبدی‌بیگ نویدی شیرازی از جمله شاعران توانمند، پرکار و کمتر شناخته شده عصر صفوی است که ضمن خدمت در دربار شاه طهماسب و عهده‌داری منصب استیفا، در مثنوی سرایی و تاریخ‌نگاری و نظیره‌پردازی بر آثار حکیم نظامی گنجوی از جایگاهی شایسته و قابل تأمل برخوردار است. عبدی‌بیگ (۹۸۸-۹۲۱ ه.ق) در نیمه اول قرن دهم و دوران آغازین رشد و ترویج سبک هندی، سرودن شعر را آغاز نمود؛ ازین رو ویژگیهای کمال یافته این سبک، چندان در شعر او دیده نمی‌شود و نظیره‌هایش به جهت تتبع آثار استادان پیشین چون نظامی و امیر خسرو دهلوی، از سبکی حدّ و وسط عراقی و هندی (سبک بینابین) برخوردار است. منظومه «هفت اختر» وی که در برابر هفت پیکر نظامی سروده شده، با وجود تأثیر پذیری و نازلتر بودن نسبت به شاهکار نظامی، به جهت تلاش شاعر در راستای نوآوری و خلق تصاویر و مضامین جدید، ترکیب‌سازیهایی نو، تصرف در حکایتها و روایت کوتاه و سریع آنها، از حوزه تقلید صرف دور می‌شود و ضمن برخورداری از شاخصهای دیگری چون پویایی و سلامت نسبی زبان، توصیفات دلنشین، نقد اجتماعی و اشارات حکمت‌آمیز در خور شناسایی و پژوهش ادب دوستان خواهد بود. مقاله حاضر، ضمن معرفی اجمالی عبدی‌بیگ شیرازی و هفت اختر وی به بررسی مؤلفه‌های سبکی برجسته آن از سه منظر زبانی، بلاغی و فکری می‌پردازد و به تبیین جایگاه عبدی‌بیگ از نظرگاه هنر شاعری می‌کوشد.

کلمات کلیدی: عبدی‌بیگ نویدی شیرازی، هفت اختر، ویژگیهای سبکی، قرن دهم، نظیره

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی A.A.halabi1323@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

hsmariana@yahoo.com

مقدمه:

تتبع اشعار قدما و اثرپذیری گویندگان از یکدیگر در تاریخ ادب فارسی پیشینه‌ای بس دیرینه دارد و نظیره‌گویی شکل هدفمند و آشکار این تأثیرپذیریهاست که در قالبها و انواع مختلف ادبی رخ نموده است. در قرن هفتم و هشتم، داستان‌سرایی در قالب مثنوی با مضامین متنوع غنایی، حماسی و تعلیمی رونق یافت و طی چندین قرن همواره مورد توجه گویندگان بود. در این میان مثنویهای پنج‌گانه نظامی گنجوی با درخشش در حوزه ادبیات داستانی و غنایی سرمشق و مورد اقبال ویژه قرار گرفت و بسیاری از شاعران ایرانی و حتی منظومه‌سرایان ترک زبان و شاعران مقیم شبه‌قاره تا قرون متمادی کوشیدند که به پیروی از خمسه نظامی، خمسه‌ای بساریند و یا لاقلاً به برخی از منظومه‌های او تأسی کرده، به سبک و طریق آن اثری خلق کنند و یا حتی پا را فراتر نهاده، مثنویهای شش‌گانه (سته) و هفت‌گانه (سبعه) ترتیب دهند. به این ترتیب خمسه‌سرایی به عنوان یکی از اشکال بارز نظیره‌گویی مرسوم شد و تا قرن چهاردهم هجری به حیات خود ادامه داد.

در دوره صفوی، مقارن با ظهور سبک هندی و تلاش شاعران در راستای نوآوری و تازه‌گویی، تقلید و نظیره‌سازی به بالاترین نقطه رشد و گسترش خود رسید و به عنوان یکی از شاخصترین جریانهای ادبی قرن دهم مطرح شد. ذوالفقاری دلایل این رشد چشمگیر را عواملی چون "شهرت، اصالت و گیرایی اثر، حوادث سیاسی و اجتماعی، عواطف و احساسات خوانندگان، قبول عام اثر و پیروی از برخی سنتهای ادبی" میداند (یکصد منظومه عاشقانه فارسی، ذوالفقاری: ۳۱). البته باید خاطر نشان ساخت که به رغم گسترش این جریان و تنوع و تعدد منظومه‌ها، غالب آنها به جهت ضعف در قوه ابداع و فن داستانی‌پردازی و کم‌مایگی زبان هنری در قیاس با آثار نظامی و حتی نظیره‌های پیش از خود از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار نیستند و به قولی نظیره‌های موفق "همانهای ست که در قرون ۷ و ۸ و ۹ توسط گویندگانی چون امیر خسرو، خواجه کرمانی، سلمان ساوجی، هاتفی خرجردی و جامی پدید آمده است." (نظیره‌های غنایی منظوم، میرهاشمی: ۱۴)

یکی از شاعرانی که در دوره مورد بحث ما، با سرودن سه خمسه در برابر خمسه نظامی و نمود برخی ابتکارات و شگردهای بیانی در میان همعصران خویش مجال خودنمایی یافته و به توفیقی نسبی نایل آمده، عبدی بیگ نویدی شیرازی است. چنانچه استاد ذبیح ... صفا درباره وی میگوید: "اگرچه پرکاری عبدی بیگ مانع آن بود که در سخنوری متکلف باشد و یا بسیار به خلق مضمونهای تازه و ترکیبهای استعاری نو بکوشد، با این حال مثنویهایش در عهد او مطبوع طبع ناقدان سخن بود و به تعبیر سام میرزا "خیال‌انگیزی او در مثنوی بسیار پرچاشنی واقع شده ... و بسیار معانی خاص در آن درج کرده." (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ۲/۵: ۷۵۱)

عبدی بیگ از شاعران پر کار عهد صفوی است که چهره ادبی او در ایران به واسطه شهرتش در تاریخ نگاری چندان مورد توجه و کاوش قرار نگرفته و این در حالی است که در شوروی سابق بیشتر آثار وی به چاپ رسیده است. این جستار با هدف معرفی اجمالی عبدی بیگ نویدی و بررسی سبک شعر او در مثنوی هفت اختر به عنوان بخشی از میراث ارز شمند و کمتر شناخته شده قرن دهم هجری ترتیب یافته است. در این راستا مثنوی هفت اختر با رویکردی سبک شناسانه از سه منظر زبانی، بلاغی و فکری به روش توصیفی و تحلیلی مورد تحقیق و کاوش قرار گرفته و شاخصهای برجسته آن با ذکر شواهدی از ابیات ارائه گردیده است.

پیشینه تحقیق:

نسخه دستنویس هفت اختر با مقدمه و تصحیح ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف از مستشرقین آذربایجان شوروی سابق در اداره انتشارات دانش مسکو به سال ۱۹۷۴ م. به چاپ رسیده و تنها نسخه چاپی موجود از مثنوی است. این نسخه چاپی دارای صورتهای مغشوش و برخی افتادگیهاست. لذا ضرورت ارائه یک تصحیح علمی پیش از ورود به پژوهش حاضر، نگارنده را بر آن داشت تا با تهیه نسخه‌های دیگر و مقابله آنها به روش تصحیح انتقادی متنی پیراسته از منظومه را فراهم آورد که به زودی جهت استفاده علاقمندان ارائه خواهد شد.

با بررسی سبک‌های انجام شده در حوزه آثار پژوهشی مربوط به هفت اختر، اثری که به شکل جامع با رویکرد سبک شناسانه به این مثنوی پرداخته باشد یافت نشد اما در راستای تحلیل و مقایسه محتوایی و داستانی هفت اختر با آثار دیگر، اشاره به چند پژوهش موجود ضروری است:

مقاله "یک داستان و چهار روایت"، ذوالفقاری، حسن، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۱۴، زمستان ۸۵

مقاله "در مدار نظامی، هشت بهشت- هفت اختر"، مؤید، حشمت، مجله ایران شناسی، سال دوم، شماره ۱، بهار ۶۹.

مقاله "مقایسه هفت اختر عبدی بیگ و هفت پیکر نظامی"، بلوری، مریم، مجله درّ دری، سال سوم، شماره ۹، زمستان ۹۲.

پایان نامه "تصحیح انتقادی هفت اختر عبدی بیگ و مقایسه محتوایی و زبانی آن با هفت پیکر"، نوروزی، آمنه، استاد راهنما: محمد علی خزانه دارلو، کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، ۱۳۹۵.

شرح احوال:

زین‌العابدین علی عبدی بیگ شیرازی از شاعران و مورخان عهد صفوی است که در سال ۹۲۱ ه. ق تولد یافت. بیشتر تذکره نویسان اشاره دقیقی به محل تولد او نکرده‌اند اما اصل وی را شیرازی دانسته‌اند (تحفه سامی: ۹۵) و تنها صاحب تذکره روشن او را اصفهانی الاصل خوانده است (تذکره

روز روشن: ۸۶۵). وی در آغاز شاعری و نخستین آثار خود "نویدی" تخلص میکرد (مجنون و لیلی: ۱۶) چنانچه در هفت اختر همین تخلص را اختیار نموده:

هر زمان فیضی از سپهر برین به نویدی رسان به روی زمین
(هفت اختر: ۱: ۱۸۴)

ولی پس از سرودن خمسه اول تخلص عبدی را برگزیده و در مثنوی دوحه‌الازهار اشاره میکند که دلیل این تغییر، رویکرد به حقایق و اشعار حکمی بوده است اما امروزه به هر دو تخلص اشتها دارد.

به استغفار چون تدبیر کردم تخلص بعد از آن تغییر کردم
(دوحه‌الازهار: ص ۱۱۹)

پدر وی از کارگزاران دربار صفوی و جد مادریش از جمله رجال و صاحب‌منصبان بارگاه شاه اسماعیل و شاه طهماسب بوده‌اند. وی همچون پدر و اجدادش مدت مدیدی را در تبریز و اردبیل گذراند و چندی هم در قزوین به سر برد (تکملة الاخبار، ۷۳). از همان اوان جوانی در تبریز به تحصیل مقدمات علوم و فراگیری علم و ادب و سیاق و ترسل پرداخت و به سرعت در حساب و سیاق نامور شد. (تذکره هفت اقلیم: ۲۴۸/۱). پس از مرگ پدرش و ترک اجباری تحصیل به قزوین رفت و در دفترخانه همایونی به شغل سیاق‌داری و مستوفی‌گری مشغول شد ولی بعدها به دلیل نامعلومی عزل گردید و به دستور شاه طهماسب به اردبیل رفت و به مدت هفت سال در جوار بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی مجاور شد و درویشی اختیار نمود و به کتابت پرداخت (تکملة الاخبار: ۱۲۸). او به سال ۹۸۸ ق در اردبیل دارفانی را وداع گفت (مجنون و لیلی: ۷). از بررسی تذکره‌ها و آثار شاعر چنین برمی‌آید که عبدی بیگ از همان اوان جوانی به تشویق شاه طهماسب و قاسمی گنابادی شاعر (متوفی ۹۸۲ ق) به شعر روی آورده و در سرودن مثنوی و خمسه تبحر یافته است. وی همچنین در نگارش تاریخ از شهرت فراوانی برخوردار است به طوری‌که در ایران، بیشتر به جهت کتابت تاریخ شناخته شده است تا سرودن مثنویهای داستانی.

عبدی بیگ به ذکر دقیق رخدادهای تاریخی و سیاسی ایران در عهد شاهان صفوی پرداخته و با توصیف باغها و عمارتها و محله‌های شهر قزوین و ابنیه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، برگهای درخشانی از تاریخ و هنر معماری و نقاشی و خطاطی هنرمندان ایرانی به معرض تماشا گذاشته است.

۱. در این پژوهش، شماره ابیات «هفت اختر» براساس چاپ دستنویس باکو به قلم ابوالفضل رحیموف تنظیم شده

آثار عبدی بیگ:

۱- **دیوان اشعار:** بیشتر تذکره نویسان بر این عقیده‌اند که وی دارای دیوان اشعار است اما به جهت عدم دسترسی به نسخه دیوان و نبود اشاره‌ای به آن در فهرست نسخه‌های خطی، در تعداد و شماره ابیات دیوان اختلاف نظر هست.

۲- **خمس‌های عبدی بیگ:** عبدی بیگ به سرودن سه خمسه به تأسی از خمسه نظامی پرداخته است که عبارتند از:

الف) خمسه اول: شامل مثنویهای جام جمشیدی (۹۴۳ ق)، هفت اختر (۹۴۶ ق)، مجنون و لیلی (۹۴۷ ق)، مظهر الاسرار (۹۴۸ ق)، آیین اسکندری (۹۵۰ ق) که به ترتیب در برابر خسرو شیرین، هفت پیکر، لیلی و مجنون، مخزن الاسرار و اسکندرنامه سروده شده‌اند.

ب) خمسه دوم: شامل مثنویهای جوهر فرد (۹۵۶ ق)، دفتر درد (۹۸۴ ق)، فردوس العارفین (۹۶۱ ق)، انوار تجلی (۹۶۱ ق)، خزائن الملوک (۹۶۸ ق) که به ترتیب در برابر مخزن الاسرار، خسرو شیرین، اسکندرنامه، هفت پیکر و لیلی و مجنون سروده شده‌اند.

ج) خمسه سوم: شامل مثنویهای روضه الصفات، دوحه الازهار، جنه الاثمار، زینه الاوراق و صحیفه الاخلاص است که شاعر در آنها به شرح عمارتها و باغها و محله‌های شهر قزوین پرداخته و به سال ۹۶۷ ق در گرجستان سروده است.

۳- **بوستان خیال:** (۹۶۱ ق) مثنوی است به تقلید از بوستان سعدی.

۴- **سلامان و ابسال:** این مثنوی از روی نسخه خطی سلیمانیه که به تصحیح محمد نظیف در ارضوم ترکیه به چاپ رسیده، تصحیح مجدد شده و برای اولین بار در ایران به سال ۱۳۹۱ ش به چاپ رسیده است.

۵- **خزائن ملکوت:** (۹۶۸ ق) مثنوی مذهبی ملقب به سبعه عبدی بیگ به تقلید از حدیقه سنایی.

۶- **تکلمة الاخبار:** (۹۷۸ ق) کتابی به نثر در شرح تاریخ سلاطین صفوی.

۷- **صریح الملک:** (۹۷۵ ق) کتابی به نثر در وصف ابنیه و اوقاف و املاک بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی.

عبدی بیگ در خلال اشعار خود به آثاری از جمله طربنامه و دیباچه البیان اشاره نموده که تاکنون نسخه‌ای از آنها یافت نشده است. (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ۲/۵، ۷۴۸-۷۵۱)

۲. نسخه‌های شناخته شده مثنویهای او در کتابخانه‌های ایران، شوروی سابق، انگلیس و فرانسه نگهداری میشود.

"هفت اختر"

هفت اختر مثنوی سوم از خمسه نخستین عبدی بیگ مشتمل بر ۳۲۶۹/۳۵۵۰ بیت (با توجه به نسخه‌های خطی متعدد) است که شاعر آن را در برابر هفت پیکر نظامی به سال ۹۴۶ ق طی هفت ماه در شهر تبریز سروده است. موضوع آن زندگانی بهرام گور، پادشاه ساسانی و شرح کامجوییهای وی و حکایات هفتگانه شاهدختهای اوست. چنانچه گفته شد این کتاب به اتفاق نظر محققان نظیره‌ای ست بر هفت پیکر نظامی و هشت بهشت امیرخسرو لیکن به لحاظ مضمون با آن دو متفاوت است. (یکصد منظومه عاشقانه فارسی، ذوالفقاری: ۹۹۶)

بخش نخستین کتاب مشتمل است بر حمد و مناجات حضرت باری، نعت پیامبر (ص) و بیان معراج، ستایش مقام امیر مؤمنان (ع) و ذکر مناقب ائمه معصومین (ع)، مدح شاه طهماسب و بیان سبب نظم کتاب. بخش دوم گزارش رفتن بهرام به شکارگاه و عاشق شدن او بر کنیزکی زیباروست به نام ناهید. در این بخش شاعر به هیچیک از مقدمات پیش از به سلطنت رسیدن بهرام یعنی تولد او، رفتن به یمن و بنای قصر خورنق، ربودن تاج شاهی از میان شیران، اژدها کشی و گنج یابی و جنگ با خاقان چین و شکست و پیروزی در آن جنگها اشاره‌ای نمیکند حالیکه نظامی این مقدمات را با دقت و حفظ امانت در هفت پیکر آورده است. ادامه این بخش، حکایت خواستاری بهرام از هفت شاهدخت و ساختن گنبدهای هفتگانه رنگین برای آنهاست که در این میان شاعر هفت داستان خیالی و پرماجرا را از زبان هفت بانوی حصارى در هر یک از روزهای هفته بازگو میکند. سرانجام این بخش، پایان حکایت بهرام گور در پی رفتن او به درون گنبدی به قصد شکار آهو و ناپدید شدن همیشه او در آنجاست بی آنکه اشاره‌ای به دوران تنبّه و همت بهرام در عدالت گستری و خزان زندگی او شده باشد. بخش پایانی منظومه نیز اشعاری را در ستایش مقام شعر و سخندانی و تبلیغ هفت اختر و مفاخرات شاعر آن در بردارد.

سبک شعری عبدی بیگ در "هفت اختر"

دگرگونیهای بنیادین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در آغاز قرن دهم هجری، زمینه تحولاتی را در طرز شعر و شاعری و ظهور سبک تازه‌ای فراهم نمود که از نظر محتوا و جهان‌بینی، زبان شاعری، شیوه تخیل و تصویرپردازی با شعر قرن نهم و پیش از آن تفاوت‌های اساسی داشت و گامی بود به سوی نوآوری.

این تحول که سبک هندی یا اصفهانی نام گرفت، به طور رسمی از اوایل قرن یازدهم به مدت دو قرن در ادبیات ما رواج داشت. شعری که پیش از نضج سبک هندی در قرن دهم مورد توجه شاعران قرار داشت شعری بود حد واسط میان سبک هندی و سبک عراقی. زبان آن نه مانند زبان سبک عراقی، فصیح و بلیغ بود و نه چون زبان برخی شاعران سبک هندی، عامیانه و در کل در ردیف

اشعار ساده و روان شعر فارسی قرار میگیرد. عبدی بیگ در اواسط قرن دهم که زمینه‌های ظهور تدریجی سبک هندی مهیا می‌شد، پا به عرصه شعر و سرودن خمسه نهاد و ازین رو مشخصات برجسته و کمال یافته این سبک در اشعار وی یافت نمیشود و سبک شعر او را نیز باید همان سبک حدّ وسط یا بینابین دانست. در شعر او، ضمن بازتاب مختصات سبک دوره‌ای شاعر، برخی از ویژگیهای سبکی شعر کهن نیز به دلیل تتبع شاعر در آثار متقدمان به وضوح دیده میشود.

بررسی سطح زبانی:

سبک‌شناسی زبانی مقوله گسترده‌ای است که به سه سطح کوچکتر آوایی، لغوی و نحوی تقسیم میشود. سطح آوایی (موسیقایی) نیز خود در سه بخش موسیقی بیرونی، موسیقی کناری و موسیقی درونی قابل بررسی است.

۱-۱ سطح آوایی (موسیقایی)

۱-۱-۱ موسیقی بیرونی: مشخص‌ترین جنبه موسیقی شعر، عروض یا همان موسیقی بیرونی آن است. عبدی بیگ هر یک از مثنویهای خود را در اواخر عمر بر حسب بحر عروضی به پنج بحر تقسیم کرد و بر اساس آن "هفت‌اختر" را در بحر چهارم مسما به "بحر عدن" گنجانید و در وزن فاعلاتن مفاعلهنّ فعلان بحر خفیف مسدّس مخبون مقصور- سرود. در آغاز منظومه ضمن صحبت از بحر خفیف و تقطیع آن میگوید:

هست بحر خفیف بحر لطیف مایلش طبع هر وضع و شریف
بهر تقطیع خواهی از میزان فاعلاتن مفاعلهنّ فعلان
(هفت‌اختر، ص ۲۹)

همانگی وزن منتخب با محتوای منظومه از نکات قوت شعر عبدی بیگ است چرا که بحر خفیف در بیان افسانه و حکایات بحری خوشایند است. به طور کل باید گفت عبدی بیگ در رعایت وزن و قواعد موسیقی بیرونی شعر، مسلط عمل نموده و عدول از قواعد وزنی در شعر او به ندرت دیده میشود.

۲-۱-۱ موسیقی کناری:

۱-۲-۱ قافیه: قافیه ضروریترین عنصر موسیقایی کناری شعر است که در ایجاد موسیقی شعر و تکمیل وزن و آهنگ آن مؤثر است (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ۱۲۴). قافیه‌ها در این منظومه ساده و روان انتخاب شده‌اند و بسامد قافیه‌های اسمی و فعلی به ترتیب در این مجموعه، بیش از انواع دیگر آن است. یکی از ویژگیهای برجسته موسیقی کناری در شعر عبدی بیگ، کاربرد

صنعت "تجنیس" با بسامد بالاست. "تجنیس" از مصادیق قافیه بدیعی است و در علم قافیه به معنی آوردن انواع جناس در محل قافیه است. از انواع مختلف آن به ذکر چند نمونه بسنده میشود.

الف) جناس تام

شب که از دور چرخ شعبده‌باز شد در آبنوس گردون باز
(هفت اختر: ۲۷۷۶)

ب) جناس مرکب

این بنا شاه را مبارک باد که رسید از فلک مبارکباد
(همان: ۳۲۴۷)

ج) جناس مصحف

همچو دل‌های کافران تاریک همچو فکر هنروران باریک
(همان: ۴۶۹)

۱-۲ سطح لغوی

۱-۲-۱ بررسی ترکیب‌سازیه‌های عبدی بیگ

هنرمندی و علاقه شاعر به آفرینش ترکیبها، مضامین و تعبیر تازه با کمی تأمل در ابیات منظومه قابل مشاهده است. این ترکیبها که به لحاظ شیوه ساخت، متنوعند در شعر عبدی بیگ بسامد بالایی دارد و بعضی به جهت نوآوری و تشخیص بخشدن به زبان او، در دایره سبک فردی شاعر می‌گنجد. در شعر عبدی بیگ از ترکیبات پیچیده و انتزاعی شعرای سبک هندی خبری نیست و ترکیبهای او متناسب با زبان ساده و روان شعرش ساخته شده‌اند. شاعر برای ارائه تصاویر و تعبیر شعری خود از این ترکیبها بهره فراوان جسته است. برای نمونه:

سرو آزادی محنت آباد دل تنگنای عدم گنج‌خانه ادراک خضر فکر آفتاب ماه‌پرست سبزه
دین بره چرخ گلستان حسن سپهر چرخ‌مدار سنگ عشق غمزه کافر عماری ناز ماه نعلین
بیابان وحدت ماه پرده‌نشین نعل خورشید شبگرد خواب ناوک فتنه نقد کامرانی افق عدل و داد
نقاش مانی اندیشه خدنگ سحر شعار کسوت لولاک دانا قیاس نادره کاوه تخت عرش پیرایه
همای نسرشکار هفت پرده زر دوز پای اندیشه بدیع نگار حدیث شکسته بسته بنده فرمانی نسیم
عنبر شمیم نرگس طشت زر بر سر سمنند کوه شکوه کف ابرفیض بحر انثار نقل لب خرد
خرده‌بین نوبهار جهان جان روزهای محنت کیش شاهباز براق دم مسیح آثار درد بیدردی
شاهباز فضای لاریبی کلک صورت گشای معنی‌زا جهان دیر نورد باران فتنه سحاب عرش خرام
روی فرخ آثار ابردغا آینه سکندرسوز ضمیر قدس مقام ملک صورتان دیو نهاد چشم فتنه
طوطی دل خازن گنج‌خان توحید ساقی سنگ آبنوس گردون آه آتشفشان شباهنگ کین.

در این میان ترکیباتی که با "انگیز"، "سوز"، "افروز"، "آمیز"، "آرای"، "اندوز" و "گشای"، ساخته شده است، بسامد بالایی دارد. همچون: خیال انگیز، غم انگیز، کرشمه انگیز، سحرانگیز، مهرانگیز، شورانگیز، عذرانگیز و ... عرش افروز، انجمن افروز، بزم افروز، جان افروز، بوستان افروز، جهان افروز و ... فسون آمیز، مهرآمیز، عبیرآمیز، رنگ آمیز، سحرآمیز و ... عرش آرای، لشکرآرای، جهان آرای، بزم آرای و علم آرای و ... جگر سوز، برقع سوز، عالم سوز، مخالف سوز و ... نکته قابل ذکر در این باب، کاربرد فراوان ترکیباتی است که به شکل صفت فاعلی مرکب مرخم ساخته شده اند؛ ترکیباتی همچون تیر موی شکاف، لقای برقع سوز، سحاب عرش خرام، خدیو فتنه نشان، جگرخوار، هرزه درای ابترگوی، فکر بکر اندوز، جبهه شعاع فکن و

کاربرد برخی واژه‌ها و ترکیبات در این مثنوی بسامد بالایی دارد و آنها را میتوان از موتیفهای شعر عبدی بیگ به حساب آورد. "موتیف" عبارت است از یک فکر، موضوع یا درونمایه‌ای که در قالب کلمات و عبارات، تصاویر خیالی، اعمال، مکانها و ... در درون یک اثر هنری نمود پیدا میکند و غالباً بیانگر ذهنیت و حساسیت هنرمند نسبت به یک موضوع یا پدیده است و در جریان خلاقیت هنری او خودنمایی میکند (طرز تازه، آلاشتی‌پور: ۸۶) برخی از این عناصر تکرار شونده که نقش ویژه‌ای در مضمون سازی و خیال آفرینی شعر عبدی بیگ دارند عبارت است از: "سحر"، "افسون (فسون)", "سپهر"، "سکندر"، "فتنه"، "بساط"، "زهگیر"، "خضر"، "شعار" و "شمع".

۱-۲-۲ استفاده از لغات و ترکیبات کهن و مهجور

کاربرد لغات و ترکیبات قدیمی و گاه مهجور، در "هفت اختر" بسامد قابل توجهی را داراست اما میزان آن به حدی نیست که سادگی و روانی زبان عبدی بیگ را تحت‌الشعاع قرار دهد. از آن جمله است:

زهگیر: انگشتی که در انگشت ابهام کرده، زه کمان را بدان میگیرند.

کرده زهگیر چشم رویین تن شد روان هم چو تیر بر دشمن
(همان: ۱۳۰۲)

فریسه: چنبر و حلقه‌ای که از چوب میسازند، مجازاً: آسمان.

کرد مهر فلک به فیروزی در میان فریسه زردوزی
(همان: ۱۶۸۹)

رنگ: بزکوهی

شده در دشت بهر آهو و رنگ بستر مخمل پلنگ پلنگ
(همان: ۲۲۳)

زلفین: حلقه‌ای بر چهارچوب در یا صندوق که چفت یا زنجیر در را در آن می‌اندازند.
در شمشادیش به زیور و زین دام دلها نهاده از زلفین
(همان: ۵۰۱)

رشتی: پستی و ضرر

بعد چندی که راند کشتی را دید از بخت خویش رشتی را
(همان: ۲۱۸۵)

عنکبوت اسطرلاب: عنکبوت نام شبکه‌ای متحرک است در اسطرلاب که برجها و ستارگان بر روی آن نقش شده است.

بس که از فکر گشته‌ام بی‌تاب شده‌ام عنکبوت اسطرلاب
(همان: ۳۲۰)

همچنین است جنیبت (= اسب یدک)، خامه (= قلم)، تُفک (= نی نیزه میان تهی برای شکار جانوران کوچک)، دیجور (= شب تاریک)، بو (= بود)، ارزیز (= قلع)، ورزیدن (= کار کردن)، مقرنس بند (= گچ کار)، خدیو (= پادشاه)، بایستن (= شایسته بودن)، هژبر (= شیر)، یارستن (= توانستن)، فگار (= زخمی)، وشاق (= نوکر)، تُتق (= چادر و پرده بزرگ)، سهم (= ترس)، معراج (= نردبان)، شبگیر (= سحر)، فلس (= پوشیز)، خستن (= خراشیدن)، سبیکه (= پاره نقره گذاخته)، هندو (= غلام)، فاقه (= فقر)، پویه کردن (= دویدن)، نوشتن (= طی کردن)، ماندن (= گذاشتن)، کلک (= قلم)، متلاشی (= تلاش‌گر)، شوشه (= شمش)، کلف (= لکه‌های روی ماه و آفتاب)، طپانچه (= سیلی) و ... که در جای جای اثر به کار رفته‌اند.

۱-۲-۳ کاربرد واژه‌ها و ترکیبات عربی

در پی بررسی متن، واژه‌های عربی فراوانی یافت شد که غالب آنها از لغات رایج در زبان فارسی هستند. لغاتی چون: حکایت، فانی، عقل، ذات، سیّار، منظر، تشبیه، احد، عشاق، فضل، عارض، عافیت، تجلی، بضاعت و ... که حضور شان سادگی و روانی متن را خدشه‌دار نمی‌کند. اما بعضی از لغات و ترکیبهای ثقیل و نامأنوس عربی هم در خلال شعر قابل مشاهده است که به نوعی تلاش شاعر را جهت برجسته ساختن دانش زبانی خود نشان می‌دهد. کلماتی چون: صیاغت (= زرگری)، سهواللسان (= یاره سرا)، استفسار (= پرسیدن)، محاذات (= مقابل)، بیع و شرا (= خرید و فروش)، انتعاش (= بهبودی)، مخلب (= چنگال)، ثانی اثنین (= نظیر و مانند)، معنبر (= خوشبو)، مستدیر (= گرد)، معدلت (= عدل)، سبط (= فرزندزاده)، تشهیر (= رسوا کردن)، منخسف (= ماه گرفته)، طایر طیار، لایعقل، قائم‌اللیل و صائم‌الایام و

۱-۲-۴ کاربرد واژه‌ها و تعبیرات عامیانه

باتوجه به اشاعه زبان مردمی و واژه‌ها و تعبیرات عامیانه در آثار قرن دهم که از خصوصیات زبانی مکتب وقوع و سبک هندی است، ساده‌گویی و کاربرد واژه‌های عامیانه در هفت اختر به وفور مشاهده میشود. نمونه‌های زیر اشاره به بخش کوچکی از این تعابیر و واژه‌هاست. شنفتن:

کرد تعلیمش آنچه شاید گفت او دگر حفظ کرد آنچه شنفتن
(همان: ۱۱۵۰)

کاروبار داشتن:

در حرم داشت خواجه پنهانی کاروباری چنانکه میدانی
(همان: ۲۱۲۱)

سیاه‌مست:

همه خوبان سیاه‌مست شدند بس که خوردند می، ز دست شدند
(همان: ۲۷۷۹)

یک مو فرق نداشتن:

هر دوشان بی بدل به غرب و به شرق در میانشان نبوده یک مو فرق
(همان: ۱۴۰۸)

خانه خراب:

شد به پیشش به صد هزار شتاب گفت کای پیرمرد خانه خراب
(همان: ۲۹۹۸)

سیخ و کباب:

دل دشمن به نوک تیر درید تا کبابش کند، به سیخ کشید
(همان: ۱۳۰۴)

۱-۲-۵ نمونه‌هایی از ضعف تألیف

از دیدگاه دستوری، مواردی از ضعف تألیف، جابجایی نادرست ارکان جمله و کاربرد نامتناسب واژه‌ها که باعث سستی و نارسایی ابیات است، در خلال منظومه مشاهده میشود. او همش سوی علم بود آهنگ بود پیوسته در پی فرهنگ
(همان: ۱۳۹۶)

طاق‌هایش چو طاق ابروی یار منزل مردمان با انوار
(همان: ۲۶۷۶)

تو که هستی چنین اسیر قفس چون توانی وصال کرد هوس
(همان: ۱۱۷۲)

قاضی از دوستی نمی‌لافد دشمنی را کمند می‌بافد
(همان: ۸۰۶)

۲- بررسی سطح بلاغی

وجود انواع صور خیال و تصاویر زیبا، مضمون آفرینیها، نازک‌خیالیها و انواع صنایع لفظی و معنوی در جای جای کلام عبدی بیگ مؤید تبحر او در فنون بلاغی و کاربرد امکانات زبان هنری است. شاعر با بهره‌گیری از انواع تشبیه، استعاره، کنایه و نیز آرایه‌های لفظی و معنوی چون انواع جناس، اغراق، تمثیل، تلمیح، ایهام، حسن تعلیل، پارادوکس و ... که در این منظومه نسبت به دیگر آرایه‌ها از فراوانی بیشتری برخوردارند، چهره هنری موفقی از اثر خویش به نمایش گذاشته است.

۲-۱ تشبیه: از منظر علم بیان، پرسامدترین آرایه در این مثنوی، تشبیه است و از میان انواع مختلف تشبیه، نوع بلیغ، مرکب، تفضیل و مضمرا از بسامد بیشتری برخوردارند.

تشبیه بلیغ

وان کز انصاف باشدش زیور داند او قدر کیمیای هنر
(همان: ۳۱۹۵)

سروی افراختی ز گلشن جان نام کردیش قامت جانان
(همان: ۱۷)

تشبیه مرکب

ماند بی تیرزه گسسته کمان همچو مد از الف گرفته کران
(همان: ۲۴۱۳)

گذران از هوا در آن شب تار همچو باد صبا ز طره یار
(همان: ۷۵)

باده در جام زر روان را قوت چون در آتش به امتحان یاقوت
(همان: ۱۳۴۵)

تشبیه تفضیل

در کفش حلقه کمند دراز خوشتر از زلف مهوشان طراز
(همان: ۳۸۸)

پسری طرفه چون سهیل یمن یوسف از وی دریده پیراهن
(همان: ۱۳۷۶)

تشبیه مضمّر

آفریدی ز لاله خودرو سرمه‌دان بهر دیده آهو
(همان: ۲۸)

۲-۱۲ **استعاره:** در حوزه علم بیان، این آرایه، پس از تشبیه بیشترین فراوانی را در هفت اختر به خود اختصاص داده است.

الف) استعاره مصرحه

گوهرش از صدف فتاد جدا تابش از تن برفت و زور از پا
(همان: ۳۱۰۶)

صبحگاهان که شیخ نورانی شد عیان از لباس ظلمانی
(همان: ۸۲۶)

کرده از مشک بر طبعچه سیم یا صدفهاست پر ز در یتیم
(همان: ۳۲۲۰)

ب) ۱ **استعاره مکنیه / تشخیص (ا سناد مجازی):** از زیباترین گونه‌های صور خیال در شعر، تصرفی است که ذهن شاعر در اشیاء و عناصر بیجان میکند و از رهگذر نیروی تخیل خویش بدانها حرکت و جنبش میبخشد و بدین ترتیب همه چیز در برابر او سرشار از زندگی و حرکت و حیات میشود. (صور خیال در شعر فارسی، شفیع: ۱۴۹). این تصرف شاعرانه که تشخیص یا استعاره مکنیه خوانده میشود پربسامدترین نوع استعاره در هفت اختر است.

شب که گردون به حيله پردازی کرد از کهکشان رسن بازی
(هفت اختر: ۱۲۳۴)

خاک از هرگیا گشوده زبان حمد یکتاییت نموده بیان
(همان: ۳۲)

۲-۳ **اغراق:** از آرایه‌های بدیعی پر بسامد در کلام عبدی بیگ است که پایه بسیاری از تصویرپردازی‌های او محسوب میشود.

طبعم از دل چو تیر فکر گشاد تیر چرخ از کمان چرخ افتاد
(همان: ۳۲۵)

به سم آهنین زمین را کند از زمین رخنه در سپهر افکند
(همان: ۱۰۶۱)

رخ به تیرافکنی چو میافروخت فرقدان را به یکدگر میدوخت
(همان: ۱۸۰۷)

۴-۲ حسن تعلیل

او [مسیحا] از آن رفت پیشتر به سپهر کز قدومت دهد نوید به مهر
(همان: ۶۵)

در بیت فوق شاعر با بیانی دلنشین، دلیل عروج مسیح (ع) را تمهید مقدمات معراج پیامبر اکرم (ص) دانسته است.

۵-۲ تلمیح: عبدی بیگ از انواع تلمیحات تاریخی، اسطوره‌ای، مذهبی، داستانی و ... برای تصویرسازی و غنی کردن شعر خود سود جسته و اشاره مکرر به برخی عناصر و نامها نشان از نوعی تشخیص سبکی در شعر او است. از جمله این موارد میتوان به اسکندر، خضر و صفات او، سلیمان، مسیح و اعجاز او، جم، کیخسرو، رستم، کیقباد، روئین تن، سامری، یوسف (ع)، موسی (ع)، یدبیضا، خلیل، مانی و ... اشاره کرد.

شاه جم جاه کیقباد سریر شیر داراکش سکندر گیر
گنج کیخسروی فشانده چو میغ ملک اسکندری گرفته به تیغ
(همان: ۸-۱۸۷)

۶-۲ کنایه

کاربرد فراوان کنایه در هفت اختر، بیانگر تسلط عبدی بیگ در استفاده از این ابزار بیانی جهت توسعه معانی، خلق مضامین و ابداعات تصویری است. بسیاری از این کنایه‌ها از گونه‌های رایج و پر کاربرد شمرده میشوند اما برخی دیگر از انواع نادر و غریبند و در حوزه سبک فردی شاعر می‌گنجند. برخی از انواع رایج آن عبارتند از:

علم افراختن، گوی بردن، درّ معنی سفتن، عنان از دست رفتن، خوشه چینی، سحر پرداختن، ژاژ خایی، موشکافتن، پا در گل ماندن، مهره نواختن، رخت بستن، عنان تافتن، پهلوتھی کردن، سرگرانی کردن، شکر فروشی، دست افشاندن، چین در ابرو افکندن، بادپیمایی، گوش کسی را گرفتن، دم سرد، آب چکیدن، سرپوش از طبق بر گرفتن، کران دادن، همعنانی کردن، سبک گام، جگرخواری، به چشم و دل شستن، آهوپا، نعل در آتش بودن، لباس چاک کردن، پرده‌داری، چاشنی فروشی، دیده گرم شدن، داد چیزی دادن، چاره از لب ساختن، خرقة سوختن، تنگ از شکر گشودن، طاقت طاق شدن و ...

و از نمونه‌های نادر و ابداعی این کنایات میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

نعل بر پای مور بستن: (کن) انجام کاری در غایت هنرمندی و مهارت.
همه گفتند ما هنرمندیم نعل بر پای مور میبندیم
(همان: ۱۲۰۰)

زر بانگ خروس نشنیده: (کن) زری که مخفی و به دور از انظار است.
بستانم ازین مکان فسوس زر که نشنیده است بانگ خروس
(همان: ۹۲۳)

پلاس از مو بافتن: (کن) کاری را در نهایت ظرافت و هنرمندی انجام دادن
همه مشکل پسند و عیب شناس بافته هر یکی ز موی پلاس
(همان: ۳۱۸۰)

مو از خمیر برآمدن: (کن) انجام کاری به سادگی و بدون زحمت
چون چنان مو برآمدش ز خمیر شادمان گشت پیر ماهیگیر
(همان: ۱۳۸۰)

انگشت بر نمکدان کسی نهادن: (کن) کاری بی‌شرمانه انجام دادن
میکنند قصد آنکه در خوانت نهد انگشت بر نمکدان
(همان: ۲۱۹۸)

۷-۲ تصویرپردازیهای زیبا و بدیع

از برجسته‌ترین هنرهای شعری در هفت اختر، تصویرپردازیهای زیبا و بیان تعابیر تازه و شاعرانه است.

ابیاتی در وصف دمیدن صبح:

به ترازوی عدل ظلمت و نور
شد روان گرد شام رود فرات
عنبر آمد گران، سبک کافور
یا زلال حیات در ظلمات
(هفت اختر، ۷-۲۷۵۶)

دزد شبرو چو کرد پنهان چهر
کهربای سپهر گشت پدید
برد زره‌های ثابتات سپهر
ریزه گاه کهکشانشان برچید
(همان: ۹-۷۱۸)

کرد پرواز زاغ گردون سالی
زنگی شب شد از جهان خندان
بیضه روز را گذاشت به جای
از سفیده عیان شدش دندان
(همان: ۴-۲۴۳۳)

کرد اکسیر شمسی افلاک مس طشت سپهر را زر پاک
(همان: ۶۰۹)

ابیاتی در بیان غروب آفتاب:

رشته بزمگاه روز گسیخت سرنگون گشت جام و باده بریخت
(همان: ۶۳۹)

شب چو میل شهاب گشت پدید سرمه در چشم روزگار کشید
ریخت نقاش شب به لوح شمس از زر ناب صد هزار نقط
(همان: ۹-۱۷۰۸)

عبدی بیگ گاه با نیروی ابداع خویش از موضوعی غیرشاعرانه، تصویری شاعرانه و هنری میسازد. این آشنایی‌زداییها از ویژگیهای سبک هندی است که در هفت اختر به اشکالی هنرمندانه دیده میشود.

همتم از سپهر ارفع بود کفم از آبله مرصع بود
(همان: ۱۴۲۲)

در دندانش از دهن چو دمید غنچه‌های شکوفه گشت پدید
(همان: ۱۷۸۱)

خاصه در بزم جنت آیینت که فروزی سریر تمکینت
(همان: ۲۶۲)

خسرو دلبران طلب کردش میهمانی به نقل لب کردش
(همان: ۲۶۸۲)

۳- بررسی سطح فکری

عبدی بیگ منظومه هفت اختر را به تاسی از هفت پیکر نظامی سرود و در داستانپردازی قدم در راهی نهاد که نظامی آن را به عالیترین وجه پیموده بود. وی در ابتدای کلام خویش از خداوند میخواهد تا او را در سرودن اثری همچون سروده نظامی یاری رساند.

هر زمان فیضی از سپهر برین به نویدی رسان به روی زمین
تا نظامی صفت شود بانی به ثنای سکندر ثانی
(هفت اختر: ۵-۱۸۴)

بخش اصلی این منظومه شرح زندگانی بهرام گور و داستان هفت شاهزاده و افسانه‌پردازیهای آنها در گنبدهای رنگین هفتگانه در روزهای هفته است اما شاعر پیش از ورود به آن در بخش مستقلی به ترتیب به نعت پیامبر (ص)، ذکر مناقب امیرالمؤمنین (ع) و ستایش ائمه معصومین (ع) پرداخته

و با شیوایی خاصی پایبندی خویش به مذهب تشیع و احترام و ارادت خود را به امیر مؤمنان (ع) و دخت گرامی رسول (ص) و اولاد ایشان بازگو کرده است.

هر که قایل به فیض‌های جلی ست دوستدار علی و آل علی ست
ورد من باد تا مراسم حیات مدح ایشان علیهم الصلوات
(همان: ۸-۱۳۷)

شاعر در خلال این ابیات اعتقاد اعتزالی خود را بروز میدهد و با اشاره به عدم رویت الهی - برخلاف دیدگاه نظامی - ذات پاک خداوند را از هر شبهه و تشبیهی منزه می‌شمارد:

نتواند کسست عیان دیدن در دل آگهت توان دیدن
(همان: ۱۰-۸)

ذات پاکت ز غایت تنزیه هست عاری ز شبهه و تشبیه
(همان: ۱۳)

ارادت شاعر به شاه طهماسب صفوی ضمن اشعار مبالغه‌آمیزی که در وصف او سروده قابل مشاهده است تا بدانجا که شاه طهماسب را ولیعهد امام عصر (ص) می‌خواند و می‌گوید:

ای چو نو شیروان به عدل تمام نیست شکی و شبهه‌ای که امام
در زمانت کند ظهور چنان که محمد به عهد نوشروان
(همان: ۶-۲۳۴)

عبدی بیگ در ضمن اشعار خود با احترام از شاعران نامدار ایران زمین چون فردوسی و انوری و خاقانی و نظامی و امیر خسرو و حافظ و جامی یاد میکند و طرز سخن ایشان را می‌ستاید و در این میان به شکایت از روزگار خود، بی‌اعتباری شعر و شاعری و گله از شاعران بازاری که با وجود مدعی بودن، اعتبار شعر را از میان برده‌اند، می‌پردازد.

چه سرایم که دلپسند بود سکه‌ام را عیار چند بود
در مقامی که قیمت زر پاک هست بسیار کمتر از خس و خاک
(همان: ۷-۲۶۹)

شاعر در مقابل شاعران بی‌هنر و طمعکار زمانه با افتخار، هنر و شعر خود را می‌ستاید و در جای جای اثر برتری آن را با کلامی اغراق‌آمیز اذعان می‌دارد:

این دُر و مشک هست تا دانی زیور قدسیان روحانی
قدسیان آفرین من گویند آفرین من از خدا جویند
(همان: ۲-۳۲۲۱)

بهر هفت اختر جهان‌تابم آفتاب آمده سطرلابم
(همان: ۳۲۲۵)

از شاخصهای اثر عبدی بیگ در حوزه اندیشه، انعکاس او ضاع اجتماعی زمان خود و تصویرگری زندگی و اعمال برخی آحاد و طبقات جامعه در خلال داستانها و اشارات منظومه است. عبدی بیگ داستانهایی را به زبان ساده میآفریند که در فواصل ابیات آن با رویکردی نقادانه و بیانی گاه طنزآمیز، مسائل زهد و تقوای دروغین، عشق و ریاکاری و خیانت‌ورزی در رده‌های مختلف جامعه از شاه و وزیر و صراف و زرگر و دزد و قاضی و شیخ و زاهد به زیبایی بیان میشود و سرانجام داستان طوری به پایان میرسد که حق و عدالت به اجرا درآید.^۳

شاعر در هفت اختر اعتقاد خویش به قضا و قدر را با طرح داستانی با عنوان "سیمرغ و سلیمان" به شیوایی اظهار میکند و با پیش کشیدن حکایتی پر ماجرا و عاشقانه هر گونه دخالت در امر قضا را محکوم به شکست میخواند. سپس با بیانی رمزی و سمبولیک به طرح دشواریهای راه سلوک و موانع رسیدن به حقیقت میپردازد.

رویکردهای عرفانی شاعر در قالب برخی داستانها و اشاره به بعضی اصطلاحات عرفانی چون پیر، خرقة، خانقاه، فتوح، صفا، سلوک، زهد، اشارت، تجرید، توحید، تفرید، ریاضت، عشق، نفس و ... قابل تأمل و بررسی است.

طرح مسائل تعلیمی و ستایش فضایل اخلاقی نیز از جمله دغدغه‌های شاعر است که در جای جای ابیات با توسل به شیوه‌هایی چون تمثیل، تلمیح، اقتیاس و نقد صورت گرفته است. به طور مثال در باب توبه، دوری از نفس و بدیهای آن، ادب، انصاف و دادگری، وفاداری و پاکدامنی، دوری از خیانت، مقام زن و تأثیر او در سعادت مرد، ابیاتی را سروده و بدین ترتیب وجه تعلیمی اثر خویش را هنرمندانه ارائه کرده است.

نتیجه

عبدی بیگ، شاعر خنجره سرای قرن دهم هجری به جهت برخی نوآوریها و هنرمندیها در حوزه ترکیب‌سازی، تصویر پردازی و تصرفات داستانی از چهره مقبولی در میان شاعران عهد صفوی برخوردار است.

شیوه شعر او مبتنی بر سبک حد واسط عراقی و هندی (بینابین) است. زبان شعرش ساده و روان، به دور از تکلفات بدیعی و بیانی و در عین حال پویاست و به جهت تتبع شاعر در آثار استادان پیشین، برخی از ویژگیهای سبک کهن در شعر او مشاهده میشود، ویژگیهایی چون کاربردهای خاص دستوری، استفاده از لغات قدیم و کم کاربرد فارسی و واژه‌های عربی.

۳. برای نمونه رک. هفت اختر، داستان "زرگر رومی"، ابیات ۹۵۰-۶۵۰.

تسلط شاعر در کاربرد انواع صور خیال و آرایه‌های بدیعی خصوصاً تشبیه، اغراق و تشخیص در عین احتراز از پیچیده گویی، منجر به خلق توصیفات، تصاویر و مضامین بدیع و شاعرانه‌ای شده که از وجوه ممتاز شعر عبدی بیگ محسوب میشود.

کاربرد کلمات و اصطلاحات عامیانه که از مختصات زبانی دوره شاعر است در هفت اختر به شکل معتدل دیده میشود. ترکیب سازهایی متنوع و گاه خلاقانه شاعر در عین سادگی، حاکی از تسلط او بر دایره گسترده زبانی است. غالب عناصر تکرار شونده شعر او در حوزه تلمیح و اشارات مذهبی، اساطیری و تاریخی قرار دارد.

ایجاز و پرهیز از درازگویی، نموده‌های آشکاری از ساختار شکنی، پرداختن به مسائل اخلاقی و نقد اجتماعی که گاه با زبان شیرین طنز صورت میگیرد و تأویل پذیری برخی داستانهای منظومه که نشان از رویکرد تعلیمی و عرفانی آن دارد، از دیگر مشخصات شعر عبدی بیگ در هفت اختر است.

منابع

۱. ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، شفیعی کدکنی، محمدضا، ترجمه حجت‌الله اصلیل، (۱۳۹۳)، تهران: نشر نی.
۲. پیرگنج در جستجوی ناکجا آباد، زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۳)، تهران: سخن.
۳. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۹)، ج ۵، تهران: فردوس.
۴. تحفه سامی، سام میرزا صفوی، تصحیح رکن‌الدین همایون فرخ، (بی‌تا)، تهران: شرکت سهامی چاپ انتشارات کتب ایران.
۵. تذکره روز روشن، صبا، مولوی محمد مظفر، تصحیح و تحشیه محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، (۱۳۴۳)، تهران: رازی.
۶. تذکره هفت اقلیم، رازی، امین احمد، تصحیح سید محمدرضا طاهری، (۱۳۷۸)، ج ۱، تهران: سروش.
۷. تکملة الاخبار، عبدی بیگ شیرازی، زین‌العابدین علی، تصحیح عبدالحسین نوایی، (۱۳۶۹)، تهران: نشر نی.
۸. هفت اختر، عبدی بیگ شیرازی، زین‌العابدین علی، تصحیح ابوالفضل رحیم‌اوف، (۱۹۷۷)، مسکو: دانش.
۹. دوحه‌الازهار، عبدی بیگ شیرازی، زین‌العابدین علی، مقدمه و تصحیح علی مینایی، ابوالفضل رحیم‌اوف، (۱۹۷۴)، مسکو: دانش.
۱۰. سبک شناسی شعر، شمیسا، سیروس، (۱۳۹۴)، تهران: میترا.
۱۱. سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی، محمد، (۱۳۹۵)، تهران: جامی.
۱۲. صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۲)، تهران: آگاه.
۱۳. طرز تازه: سبک شناسی غزل سبک هندی، حسن‌پور آلاشتی، حسین، (۱۳۸۴)، تهران: سخن.

۱۴. مجنون و لیلی، عبدی بیگ شیرازی، زین العابدین علی، تصحیح ابوالفضل رحیم‌اوف، (۱۹۶۷)، مسکو: دانش

۱۵. موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۶)، تهران: آگاه.

۱۶. نظیره‌های غنایی منظوم، میرهاشمی، مرتضی، (۱۳۹۰)، تهران: چشمه.

۱۷. یکصد منظومه عاشقانه فارسی، ذوالفقاری، حسن، (۱۳۹۴)، تهران: چرخ.